شهاب حسینی در مقام کارگردان تشریح کرد؛

«مقیمان ناکجا»؛ نگریستن به مسئله زندگی و مرگ از زاویه‌ای دیگر

«مقیمان ناکجا»، دومین ساخته شهاب حسینی در مقام کارگردان است؛ بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران که این روزها با این فیلم، علاقمندی خود به فرم و محتوایی کمتر تجربه‌شده را به اثبات رسانده و نشان داده که مفاهیمی چون مرگ و حیرانی، تا چه اندازه، به عنوان دغدغه ذهنی و درونی برای او مطرح است.

من برای آینده سینمای ایران، از نظر محتوا تاحدوی با کسانی که در این زمینه نگرانی‌هایی دارند، موافقم. صرف موفقیت در گیشه یا فروش یک فیلم به معنای ارزشمند بودن آن فیلم نیست. باید واکنش‌های جامعه را درست تحلیل کنیم و از این طریق، درخواست و نیاز جامعه را به درستی تشخیص دهیم. البته رویکرد کاملا بیزینسی اهل فن در سینما از بابت آثاری که مجوز کار می‌گیرند و چه رویکرد سینماداران، همه در سینمای یک کشور موثر است.

نیما رجبی

گروه فرهنگ و هنر- شهاب حسینی، یکی از مطرح‌ترین بازیگران تاریخ سینمای کشور است که در کارنامه خود، افتخارات ملی و بین‌المللی بسیاری را به ثبت رسانده است. شاید تصور غالب بر این بود که وقتی او، جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن ۲۰۱۶ را از آن خود کرد، رویه حضوروی در سینمای ایران کمتر شده و شاید تراز جهانی شخصیتش، اجازه حضور در تولیدات داخلی را به‌مانند گذشته ندهد. اما پس از کسب این جایزه بود که روحیه میهن‌دوستی حسینی، بیشتر به چشم آمد؛ پس از تاسیس یک شرکت فیلم‌سازی در ایران، شرکتی در آمریکا تاسیس کرد که مهم‌ترین وظایف آن، تولید فیلم و حمایت از سینماگران مستعد ایرانی در زمینه تولید و اکران بود.

وی همچنین جشنواره‌ای مستقل در ایران به راه انداخت تا از تولیدات استعدادهای عموما شهرستانی که فرصتی برای دیده شدن نداشتند، حمایت کرده و زمینه تقدیر و نمایش آثار آنها را فراهم آورد. البته که در کنار این فعالیت‌ها، گونه‌ای گزیده‌کاری به سراغ حسینی آمد که وی را از حضور در آثار کم‌مایه بر حذر داشت و در این میان، محتوا، نقش پررنگ‌تری برای این بازیگر ایفا کرد.

بازیگر مطرح ۲۵ سال اخیر سینما و تلویزیون کشورمان، این روزها، دومین ساخته خود در مقام کارگردان را به روی پرده دارد. مقیمان ناکجا، اثر عجیبی است که از زاویه‌ای دیگر به زندگی و مرگ نگریسته و واکنش‌های متفاوتی را به خود دیده است.

با این بازیگر و کارگردان گزیده‌کار گفت‌وگویی انجام شده که در ادامه می خوانید:

مقیمان ناکجا را متاثر از تله‌تئاترهای تلویزیونی ساختم

فیلم مقیمان ناکجا برداشت و اقتباسی از اثر جذاب اریک امانوئل اشمیت یعنی مهمانسرای دو دنیا است که این اثر، حاوی وزن، جذابیت و پرداخت خیلی ویژه و خاص خودش است که بر کسی پوشیده نیست. اینکه چرا این کار را برای فیلم دوم خودم در مقام کارگردان انتخاب کردم، به این دلیل بود که علاقمند بودم به نوعی از این دست کارها را بتوانم مجددا زنده کنم چون یکی از علاقمندی‌های خودم، تله‌تئاترهایی بود که در تلویزیون، ابتدا در شبکه ۲ و سپس در شبکه ۴ پخش می‌شد و این تله‌تئاترها، همواره برای من جذابیت‌های بسیاری داشت چون می‌توانستم با شخصیت‌ها از طریق دوربین، به مخاطب نزدیک‌تر شوم و علاقمند بودم با روشی جدیدتر و متفاوت با ضبط تله‌تئاترها که مبتنی بر ۳ دوربین و سوییچ همزمان است، با یک دوربین و با سبک و سیاق زبان دکورپاژ سینمایی، این کار را به تصویر بکشم و به دلیل ویژگی‌های جذاب و خاصی بود که در این کار وجود داشت.

چالش ساخت هم‌زمان مقیمان ناکجا با اجرای نمایش اعتراف

بزرگ‌ترین چالش من به عنوان کارگردان مقیمان ناکجا، هم‌زمانی فیلمبرداری این اثر با اجرای نمایش اعتراف، روی صحنه بوده که ما هر دو کار را هم‌زمان انجام دادیم و هر دو را هم به‌واسطه همراهی سرمایه‌گذار محترم؛ خانم امینی انجام دادیم. درواقع چالش دیگر ما این بود که بتوانیم کاری را که شروع کرده‌ایم، در وهله اول به سرانجامی برسانیم.

حتی برای من شهاب حسینی هم تامین هزینه ساخت یک فیلم، کار آسانی نیست

برخلاف تصور کلی که نسبت به هنر و تجربه وجود دارد، برای من هیچ‌وقت تامین هزینه ساخت یک فیلم، کار آسان و دم‌دستی نبوده و من همواره مجبور بودم که شرایط ساخت آثاری که علاقمند هستم را خودم فراهم کنم.

مهم‌ترین دلیلش این است که ما این فیلم را با رقمی معادل یک‌چهارم بودجه یک فیلم لوباجت آن زمان ساختیم. محدودیت هزینه و زمان، شرایط را به گونه‌ای پیش می‌برد که طبیعتا شما به هیچ چیز دیگری جز روایت درست تصویری اثر نمی‌اندیشید با این حال تلاش این بود که با توجه به صحنه‌پردازی و طراحی خاصی که برای صحنه در نظر داشتیم، بتوانیم این مساله را به نوعی حل کنیم و اثر را به لحاظ بصری هم به نحوی طراحی کنیم که برای تماشاگر، جذابیت‌های خاص خود را داشته باشد اما این طور نیست که من انتخاب کرده باشم که به این شکل کار کنم؛ شرایط و توانایی آن زمان، چیزی بیش از این را نتوانست برای من رقم بزند البته ایده ساخته شدن این اثر به این دلیل بود که من آن لوکیشن را انتخاب کردم و احساس کردم که آن لوکیشن، نزدیکی بسیاری به نمایشنامه مهمانخانه دو دنیا دارد و به همین شکل، با گذاشتن تکه پازل‌ها کنار هم، گروه سینمایی‌ام را شکل دادم و این اثر را به این شکل جلوه دادم.

زندگی‌های خودمان را فراموش کرده‌ایم و به زندگی دیگران چشم دوخته‌ایم

احساس می‌کنم ریشه بسیاری از مشکلاتی که در فضای اطراف ما وجود دارد، به دلیل فراموش شدن اصل و اصالتی است که ما برای آن به وجود آمده‌ایم و شاید به این دلیل است که نمی‌توانیم نقش خودمان را در زندگی درست تعریف کنیم و بپذیریم و بنابراین نمی‌توانیم آن را با نهایت دلسوزی، جذابیت و دقت در زندگی به اجرا درآوریم. وقتی چنین رویه‌ای حاکم شد، طبیعتا مشکلاتی برای خودمان به وجود می‌آوریم چون بیشتر، زندگی‌های خودمان را فراموش کرده‌ایم و چشم بر زندگی دیگران دوخته‌ایم و به جای تجزیه و تحلیل زندگی خودمان، به تجزیه و تحلیل زندگی دیگران روی آورده‌ایم.

در ساکن طبقه وسط مهم‌ترین دغدغه شخصیت، سرگشتگی بود که بین تمام آن مظاهری که می‌توانستند هویتی را به کاراکتر ببخشند، این سرگردانی در انتخاب آن مفهوم اصیل و کلی وجود داشت. در مقیمان ناکجا هم آقای اشمیت سعی کردند که موضوع بسیارمهمی را یادآوری کنند و آن اینکه، زندگی یک پدیده و نعمتی است که اعتباری است و هیچ تضمینی هم برای طول مدت آن وجود ندارد بنابراین هر روز نعمتی است که به ما ارزانی داشته می‌شود و این، پندار، گفتار و کردار ما در نقشی که در زندگی ایفا می‌کنیم است که اهمیت پیدا می‌کند. من به عنوان کارگردان، کارهای دیگری هم انجام داده‌ام که کمی داستانگوتر شده‌اند ولی اینها آثاری بوده که من را به خودش جذب کرده بابت اینکه ریشه‌ای‌ترین دغدغه‌ها را در انسان تقویت می‌کند که درواقع بودن و چگونه بودن است.

در یک لحظه دیدم مطلقا در زندگی، مالک هیچ چیزی نیستم

من همیشه به مرگ می‌اندیشم برای اینکه حقیقتی بزرگ‌تر از زندگی است؛ برای اینکه سایه مرگ همیشه سرتاسر زندگی را تحت سیطره خود دارد و برای اینکه فکر مرگ مهم‌ترین دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، ترس‌ها و آرزوها است و همه چیز ما را تشکیل می‌دهد و همه ما در تلاش هستیم که تا فرصت هست، به امیدها و آرزوهایمان برسیم. این جمله تا فرصت هست درواقع نشان می‌دهد که اگر زندگی واقعیت است، مرگ حقیقت است و گذر می‌کنیم. چیزی قابل فراموش شدن نیست و اتفاقا در اوج موفقیت‌ها و خوشی‌ها و در اوج غم‌ها، ناراحتی‌ها و شکست‌ها، فکر مرگ باعث می‌شود که گذران آن لحظات برای ما آسان‌تر شود.

جمله معروف این نیز بگذرد به نوعی حاوی این مساله است. مرگ، دروازه‌ای است که ما را به اصل خودمان باز می‌گرداند و زندگی فرصتی است که می‌توانیم در اختیار داشته باشیم که نوع عبورمان را از آن دروازه رقم بزنیم تا شاید گذر بهتری داشته باشیم به آن چیزی که خداوند برای ما رقم زده است. ضمن اعتراف به عجز خودمان در آگاهی و آنچه که می‌دانیم و با وجود همه این پیشرفت‌های علمی و شکافتن هسته اتم و کشف کهکشان‌های دیگر، من فکر می‌کنم که داریم گذران زندگی را پیش می‌بریم و هر روز به مرگ نزدیک می‌شویم. تصور نمی‌کنم کسی در ناخودآگاهش، به مرگ فکر نکند اگر اینطور هم باشد مثال کبکی است که سر در برف فرو برده. گاها ترس ما باعث می‌شود از فکر کردن درباره مرگ رویگردان شویم و خودمان را به ندیدن بزنیم درحالی که نمی‌خواهیم باور کنیم که مرگ، سایه به سایه ما در حال حرکت است و در هر لحظه‌ای ممکن است که به سراغ ما بیاید و ما را از گردونه خارج کند.

البته بنده یک تجربه عملی و کامل را در این خصوص گذراندم. سال ۹۳ دچار عارضه قلبی شدم و به لحظه‌ای رسیدم که در برابر مرگ تسلیم شدم و آنجا کشف بزرگی که کردم این بود که این من بودم که به تمام جهانی که در آن بودم و برای آن ساخته شده بودم، در یک آن بی‌اعتبار می‌شدم و اینکه مطلقا در زندگی، مالک هیچ چیزی نیستم و این حقیقت در آن لحظه، به وضوح و روشنی خورشید به من ثابت شد.

در کارگردانی، کاملا نوآموز هستم

هر آنچه که در رزومه و زندگی کاری آدم در یک لحظه رقم خورده، کمتر به نظر می‌آید که به عنوان ابزاری برای باز کردن راه آینده بتوان استفاده کرد چون آن موقعیت، متعلق به آن زمان و مکان و دلیل موضوعی خود بوده. آدم برای هر پروژه‌ای باید طوری باشد که انگار بار اول است و انگار همه چیز از ابتدا شروع شده و نقطه سر خط. افتخاراتی که تاکنون برای بنده رقم خورده، تماما در کارنامه بازیگری من بوده درحالی که من در کارگردانی، کاملا نوآموز بوده و در حال تجربه کردن هستم و تصور نمی‌کنم آثاری که الان کار می‌کنم برای اینکه در جشنواره‌ها حضور پیدا کند، قابلیت خاصی داشته باشد. اتفاقا از این بابت هم غافل نبودم اما کلا چشمی به این ندارم که موردتوجه جشنواره خاصی قرار بگیرم اما از اینکه آن جشنواره‌ها، مکانی برای نمایش این فیلم‌ها فراهم می‌کنند، خرسندم.

دلیلی نداشت مقیمان ناکجا را در آمریکا بسازم

شرکت هفت آسمان در آمریکا، به عنوان خواهر دوقلوی شرکت ندای هفت آسمان در ایران با مدیریت بنده تاسیس شد. دلیلی نداشت که مقیمان ناکجا را آنجا بخواهیم بسازیم. من آنجا دو فیلم را از روی دو نمایشنامه به صورت لوباجت انجام دادم: یکی نویسنده مرده است بر اساس نمایشنامه آرش عباسی که این اثر به انگلیسی ترجمه شد و با دو بازیگر آمریکایی و با گروه نیمه‌ایرانی و نیمه‌آمریکایی کار شد. بعد از آن شرکت سون اسکای (هفت آسمان) کار دیگری را بر اساس نمایشنامه پرده آخر انجام داد که این کار هم دومین محصول شرکت بود که این دو کار اکنون در حال تجارب بین‌المللی خود هستند: نویسنده مرده است در سینمای هنر و تجربه در حال بررسی برای اکران است و فیلم بلند ۹۷ دقیقه‌ای لست اکت در حال گذار از جشنواره‌های جهانی است و باید ببینیم چه تقدیری برایش رقم می‌خورد. البته شرکت هفت آسمان، فعالیت‌های دیگری هم داشته که ازجمله آنها می‌توان به برگزاری چند اکران برای چند فیلمساز مستقل ایرانی در آمریکایی اشاره کرد.

جشنواره فیلم کوتاه اندیشکده مستقل را به استان‌ها می‌بریم

جشنواره فیلم کوتاه اندیشکده مستقل، یکی دیگر از دغدغه‌های من است. کلا در فضای کاری خودم، احساس می‌کنم که به شدت نیاز به افکار و نیروهای جدید دیگری هست که آنها هم باید سهم خودشان را ادا کنند. در مورد جشنواره باید بگویم که خیلی علاقمندیم که آن را ادامه دهیم. البته اگر شرایط به گونه‌ای باثبات پیش رفت، این جشنواره را ادامه خواهیم داد و از آنجایی که تاریخ این جشنواره، مابین عید قربان و عیدغدیر است، علاقمند هستیم که این جشنواره را در این هفته و سالانه در هر استان برگزار کنیم که این جشنواره به نحوی برنامه‌ریزی و ادامه‌دار خواهد شد که به جای استقرار در تهران، هر سال در یک استان برگزار خواهد شد که از این طریق بشود به آثار و جوانان مستعد و آثار شاخص آن استان‌ها دسترسی پیدا کرد و آنها را قابل ارائه و نمایش کرد.

همیشه دنبال پیروی کردن از الگوهای پاسخ‌داده‌شده در گذشته هستیم

من برای آینده سینمای ایران، از نظر محتوا تاحدوی با کسانی که در این زمینه نگرانی‌هایی دارند، موافقم. صرف موفقیت در گیشه یا فروش یک فیلم به معنای ارزشمند بودن آن فیلم نیست. باید واکنش‌های جامعه را درست تحلیل کنیم و از این طریق، درخواست و نیاز جامعه را به درستی تشخیص دهیم. البته رویکرد کاملا بیزینسی اهل فن در سینما از بابت آثاری که مجوز کار می‌گیرند و چه رویکرد سینماداران، همه در سینمای یک کشور موثر است.

ما متاسفانه همیشه در سینما دنبال پیروی کردن از الگوهای پاسخ‌داده‌شده در گذشته هستیم و هیچ‌وقت به خلق و سبک الگوهای جدید در سینما فکر نمی‌کنیم و تصور نمی‌کنیم که باید برای تمام سلیقه‌ها در سینما، آثار درست و متناسبی وجود داشته باشد و عملا پس از موفقیت هر فیلمی، شاهد ظهور فیلم‌هایی در همان دست هستیم به طمع و امید اینکه این هم خوب بفروشد و صاحبانش را بیشتر میلیاردر کند.

اگر فرضا تولیدکنندگان مواد غذایی، حساسیت‌هایی بالایی را برای سلامت جامعه به کار می‌برند، ما تولیدکنندگان موادغذایی روحی که شامل فرهنگ و هنر می‌شوند هم باید این دقت را داشته باشیم و حواسمان باشد که آثارمان قرار است پازل خالی کدام قسمت از فرهنگ را پر کنند. امیدوارم همه چیز طوری پیش رود که توقع جامعه از محتوای سینما آن‌قدر بالا برود که دیگر هیچ سینماگری از جمله بنده به خودمان اجازه ندهیم که وقت مخاطب را بگیریم بدون اینکه محتوایی درخوری به او تقدیم کرده باشیم.

بالیوود به بلوغ رسیده است

گروه فرهنگ و هنر-بازیگر سرشناس هندی معتقد است بالیوود به جایی رسیده که بتواند غرب را تسخیر کند.

آنیل کاپور بازیگر «میلیونر زاغه نشین» روز شنبه در جشنواره فیلم تورنتو برای اولین نمایش جهانی «متشکرم برای آمدنت» حضور یافت و از بالیوود حرف زد.

وی یکی از بازیگران این فیلم در کنار بازیگران دیگر بومی پدنکار، شهناز گیل، دالی سینگ، کوشا کاپیلا و شیبانی بدی است.

در حالی که هند به تازگی یکی از فضاپیماهای خود را به ماه رسانده، آنیل کاپور، بازیگر «میلیونر زاغه‌نشین» می‌گوید زمان آن فرا رسیده است که صنعت فیلم پررونق این کشور بتواند نقش بیشتری در باکس آفیس غرب بازی کند. کاپور گفت: احساس می‌کنم بالیوود دارد به بلوغ می‌رسد و بسیاری از فیلمسازان فیلم‌هایی می‌سازند که برای تماشاگران بین‌المللی جذاب است؛ فیلم‌هایی که شاد و مثبت هستند. این فیلم‌ها شادی زیادی دارند و این چیزی است که جهان به آن نیاز دارد.

او پس از اولین نمایش جهانی فیلم «متشکرم برای آمدنت» در جشنواره فیلم تورنتو به اظهار نظر درباره بالیوود پرداخت. این فیلم اولین تجربه کارگردانی فیلم کاران بولانی داماد کاپور است که به تهیه‌کنندگی رئا کوچکترین دختر این ستاره بالیوود ساخته شده است. کاپور به ترکیب احساسات خوب و نگاه اجتماعی که در فیلم‌های کلاسیک چارلی چاپلین وجود دارد به‌عنوان مدلی برای ساخته شدن فیلم «متشکرم برای آمدنت» یاد کرد. در این فیلم بومی پدنکار در نقش کانیکا کاپور، یک وبلاگ‌نویس مواد غذایی بازی کرده است.

این بازیگر افزود: چارلی چاپلین باعث می‌شد لبخند بزنی، در حالی که بعد از پایان فیلم بغضی راه گلویت را بسته بود و موسیقی و محتوای فیلم‌هایش وقتی از سالن خارج می‌شدی داشتند، چیزی می‌گفتند.

دیگر بازیگران «متشکرم برای آمدنت» شامل شهناز گیل، دالی سینگ، کوشا کاپیلا و شیبانی بدی نیز شنبه شب در تالار روی تامسون و در شب نمایش این کمدی-درام بالیوودی حضور داشتند. فیلم بولانی به مضامین دوستی زنانه در بین گروهی می‌پردازد که گاه به دلیل مجرد ماندن در معرض خطر شرم و انتقاد جامعه قرار می‌گیرند. کاپور تاکید کرد که بالیوود باید فیلم‌های بیشتری توسط زنان و برای زنان بسازد تا با مخاطبان بین‌المللی ارتباط برقرار کند. او چنین استدلال کرد: در فیلم‌های زیادی بازی کرده‌ام که زنان نقش اصلی‌اش را داشتند و من بازیگر مکمل بودم؛ چون داستان آن‌ها را دوست داشتم. کاپور فیلم «میلیونر زاغه‌نشین» را هم به یاد آورد که سال ۲۰۰۸ در تورنتو برنده جایزه منتخب مردمی شد و در راه اسکار قرار گرفت و در نهایت این جایزه را دریافت کرد. این فیلم به کارگردانی دنی بویل بریتانیایی و محصول استعدادهای بالیوودی از جمله ویکاس سوراپ فیلمنامه‌نویس بود. کاپور یادآوری کرد که هم اساس داستان و هم همه بازیگران، رنگین پوست و هندی بودند. داستان‌های بالیوود همیشه وجود داشته‌اند اما اکنون با عصر دیجیتال و شناختی که در جشنواره‌ها و فرصت‌ها به دست می‌آید، فیلمسازان، بازیگران و داستان‌نویسان بیشتر تشویق می‌شوند تا داستان‌هایی بسازند که به گوش جهانیان برسد.

فصل جدید «زیرخاکی» در دستور ساخت قرار گرفت

گروه فرهنگ و هنر- سریال «زیرخاکی» در سه فصل به کارگردانی جلیل سامان ساخته شد و حالا قرار است فصل جدید این مجموعه در دستور کار قرار بگیرد.

سیمافیلم این روزها سریال‌های مختلفی را در دستور کار دارد که در مراحل مختلف تصویب طرح، فیلمنامه و پیش‌تولید قرار دارند.

بخشی از این آثار شامل سریال‌هایی می‌شود که یک سابقه چندفصلی دارند و جزو برندهای شاخص تلویزیون محسوب می‌شوند.

«زیرخاکی» به کارگردانی جلیل سامان یکی از سریال‌های موفق تلویزیون در جذب مخاطب و ارائه فضای سرگرم‌کننده ضمن نمایش محتوای دغدغه‌مند و فارغ از کمدی‌هایی که این سال‌های اخیر پخش شده است توانست مخاطب جذب کند.

این مجموعه در ۳ فصل روی آنتن رفت و پژمان جمشیدی و ژاله صامتی زوج بازیگر این سریال یکی از برگ برنده‌های آن بودند. بازی گرفتن از بازیگران کمتر دیده شده در هر فصل یکی از شاخصه‌های این اثر و توانمندی‌هایی است که جلیل سامان از خود نشان داده است. در هر فصل تغییراتی در بازیگران فرعی نیز وجود داشت و تهیه‌کنندگی سریال بر عهده رضا نصیری‌نیا بود.

جلیل سامان پیش از این یک سه گانه درباره تاریخ انقلاب اسلامی با نام‌های «ارمغان تاریکی»، «پروانه» و «نفس» ساخته بود که وقایع تاریخی سیاسی اواخر دهه ۵۰ و اوایل انقلاب را به شکل باورپذیری برای مخاطب ارائه کرد که کمتر کارگردانی در تلویزیون توانست این وقایع را این چنین تصویر کند.

سامان در «زیرخاکی» نیز سراغ دغدغه همیشگی خود نسبت به روایت تاریخ انقلاب اما برای اولین بار در فضای طنز رفت. فضایی که با ریسک بالایی همراه بود و اتفاقا سامان به خوبی از پس آن برآمد. فصل اول و دوم این سریال حتی انتظار مخاطب را هم از این کارگردان توانمند بالا برد و علی‌رغم اینکه فصل سوم سریال با ضعف‌هایی همراه بود هنوز هم این مجموعه با قصه و موقعیت‌هایی که سامان طراحی خواهد کرد می‌تواند با اقبال مواجه شود.

باید این طرح و فیلمنامه فصل جدید «زیرخاکی» چه زمانی به سرانجام می‌رسد و در کنار زوج محبوب و موفق آن کدام یک از بازیگران حضور خواهند داشت.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت اپال صنعت کیش سهامی خاص

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت اپال صنعت کیش سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۰۸۳ جزیره کیش و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۶۵۵۶۳ دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی که در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ راس ساعت ۸ صبح در تهران خیابان رودکی بالاتر از خیابان بوستان سعدی کوچه برادران خمسه نبش کوچه سپیده پلاک ۱ طبقه ۲ واحد ۲۰۲ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه عبارت است از:

-انتخاب هیئت مدیره و بازرسان شرکت

-تعیین روزنامه کثیر الانتشار

هیئت مدیره شرکت اپال صنعت کیش

روزنامه اقتصاد کیش

تماس: ۰۷۶ ۴۴۴۲۴۹۹۹ تحریریه: ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۱

واتساپ: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴ اینستاگرام: @eghtesadkish تلگرام: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴

اقتصاد کیش روزنامه